



Studies on Israel - US
Vol 25. No 2. Summer 2024
Received date: 2024.05.22
Acceptance date: 2024.06.26



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

Pathology of conflicting policies of some regional authorities in crimes against Palestine with emphasis on the international responsibility of Arab political leaders

Seyed Mohammad Reza Mousavifard¹



Abstract

According to numerous international reports and documentation from responsible institutions in international organizations in accordance with international law, in the October 7, 2023 war between Palestine and Israel, the regime committed crimes against humanity, war crimes and genocide, among which the slogan and functional conflicts of some Arab rulers in dealing with this issue are very reflective, which, despite their moral, religious, international responsibilities, explains the necessity of this article. In this research search we are looking for a suitable answer to this question with a descriptive analytical approach using the documentation and library method conflicts How is the mental data of Arab rulers and political leaders, contrary to some of their slogans on the Palestinian issue, debatable in the field from the perspective of criminal and political psychology data? It seems that such rulers are trying to satisfy the great powers and historical and religious beliefs due to the lack of internal legitimacy ... Strike a balance between their intentions and the field of action in the form of this obvious conflict. To recognize International and moral religious responsibilities, popular movements and... It can minimize such conflicting policies to some extent.

Keywords: Conflicting Politics, War Crimes, Arab Rulers, International Crimes.

1 - Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای؛ اسرائیل‌شناسی - آمریکاشناسی

دوره ۲۵، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۵

Home page: www.cmess.sinaweb.net

نوع مقاله: علمی

آسیب‌شناسی سیاست‌های متعارض برخی حکام منطقه‌ای در جنایات علیه فلسطین با تأکید بر مسئولیت بین‌المللی رهبران سیاسی عرب

سیدمحمدرضا موسوی فرد^۱



چکیده

به استناد گزارش‌های متعدد و مستند بین‌المللی منبعت از نهادهای مسئول در سازمان‌های بین‌المللی منطبق با حقوق بین‌الملل، در جنگ ۷ اکتبر ۲۰۲۳ بین فلسطین و اسرائیل این رژیم مرتکب مصادیق جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و نسل‌کشی شده است. در این بین تعارضات شعاری و عملکردی برخی حکام عرب در برخورد با این مسئله جای بسی تأمل است که علی‌رغم مسئولیت‌های اخلاقی، دینی و بین‌المللی، چرا چنین مواجهه‌ای با این قضیه داشتند؛ همین ضرورت مقاله حاضر را تبیین می‌کند. در این جستار تحقیقاتی با رویکرد توصیفی تحلیلی با بهره‌گیری از روش اسنادی و کتابخانه‌ای در پی یافتن پاسخی مناسب برای این پرسش مطروحه می‌باشیم، تعارضات داده‌های ذهنی حکام و رهبران سیاسی کشورهای عربی بر خلاف برخی شعارهایشان در قبال مسئله فلسطین در میدان عمل چگونه از منظر داده‌های روانشناسی جنایی و سیاسی قابل بحث است؟ به نظر می‌رسد چنین حکامی سعی دارند بنا به فقد مشروعیت داخلی با راضی نگه داشتن قدرت‌های بزرگ و عقده‌های تاریخی و دینی و... بین نیت خود و میدان عمل در قالب این تعارض آشکار تعادل ایجاد کنند که بازشناساندن مسئولیت‌های بین‌المللی و اخلاقی دینی، حرکت‌های مردمی و... می‌تواند تا حدودی چنین سیاست‌های متعارضی را به حداقل برساند.

واژگان کلیدی: سیاست متعارض، جنایات جنگی، حکام عرب، جنایات بین‌المللی.

۱ - دکترای تخصصی، استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان، سمنان، ایران.

مقدمه

برقراری صلح و امنیت بین‌المللی از کهن‌ترین آرمان‌های بشر بوده است. صلح و امنیت، مفهوم ثابتی نداشته و مفهوم آنها با گذشت زمان دچار تغییر و تحول شده است. تا قبل از تحولات اخیر در روابط بین‌المللی، منبعث از نگاه نظامی که اصطلاحاً نظام وستفالیایی نامیده می‌شود، صلح و امنیت به معنای رعایت اصول حق حاکمیت، برابری حقوق، رعایت مصونیت کشورها و نمایندگان آنان، احترام به تمامیت ارضی کشورها، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات تلقی می‌شد. لکن جهانی شدن سبب تغییر مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی منبعث از نظام وستفالیایی شده است. در این دوره ماهیت تهدیدات تغییر یافته و تهدیدات از جنبه نظامی به حوزه‌های دیگر از جمله فقر و گرسنگی، تروریسم، قاچاق و جرائم سازمان یافته، شیوع بیماری‌های مسری، مهاجرت‌های بی‌رویه، محیط زیست و نقض حقوق بشر تسری یافته است. بر اساس چنین تفسیری از صلح و امنیت بین‌المللی بوده که شورای امنیت که رکن اصلی صلاحیت‌دار حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است، پس از پایان جنگ سرد، جنگ‌های داخلی، بحران‌های انسانی از جمله پاکسازی‌های قومی و تصفیه نژادی، تغییر نظام‌های سیاسی، تروریسم و نقض گسترده حقوق بشری را تهدید صلح و امنیت بین‌المللی تلقی کرده است (اشرافی، ۱۳۹۳: ۸۳).

اگر به تاریخچه نظام بین‌المللی و سازمان ملل متحد بنگریم، جنبه تاسیسی آن ریشه در بحران‌های بین‌المللی دارد؛ فی‌المثل سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ و در پی ویرانی‌های جنگ جهانی دوم با یک مأموریت اصلی ایجاد شد: حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد. سازمان ملل این کار را با تلاش برای جلوگیری از درگیری، کمک به طرف‌های درگیر در برقراری صلح، استقرار نیروهای حافظ صلح و ایجاد شرایطی برای تداوم و شکوفایی صلح انجام می‌دهد. این فعالیت‌ها اغلب با یکدیگر هم‌پوشانی دارند و برای موثر بودن باید یکدیگر را تقویت کنند. شورای امنیت سازمان ملل متحد مسئولیت اصلی صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد. مجمع عمومی و دبیر کل در کنار سایر نهادهای سازمان ملل نقش‌های اصلی، مهم را ایفا می‌کنند (-<https://www.un.org/en/our-work/maintain-international-peace-and-security>).

پس از در نظر گرفتن تفاسیر فوق‌الذکر که ارائه گردید، نباید نقش تک تک رهبران سیاسی که ناخدایان دولت‌ها به‌عنوان بازیگران اصلی نظام بین‌الملل هستند، در روند صلح و امنیت بین‌المللی نادیده گرفت چرا که در بسیاری از بحران‌ها شاهد بوده‌ایم رویکردهای شخصی رهبران سیاسی حتی بر منافع ملی

مشروع نیز غبله داشته است یا به ادبیات دیگر جهت منافع ملی کشورها را در سطح منطقه و نظام بین‌الملل تعیین کرده است. در این جستار تحقیقاتی با رویکردی توصیفی تحلیلی در پی یافتن پاسخی مناسب برای این پرسش مطروحه می‌باشیم که تعارضات داده‌های ذهنی حکام و رهبران سیاسی کشورهای عربی بر خلاف برخی شعارهایشان در قبال مسئله فلسطین در میدان عمل چگونه از منظر داده‌های روان‌شناسی جنایی و سیاسی قابل بحث است؟ به نظر می‌رسد چنین حکامی سعی دارند بنا به فقد مشروعیت داخلی با راضی نگه داشتن قدرت‌های بزرگ و عقده‌های تاریخی و دینی و... بین نیات خود و میدان عمل در قالب این تعارض آشکار تعادل ایجاد کنند.

۱. مبانی نظری

به نظر می‌رسد احیای علاقه به نظریه‌های آنارشیستی حقوق وجود دارد. اما پس از آن همیشه احیای علاقه به نظریه‌های آنارشیستی حقوق وجود دارد. در دهه ۱۹۶۰ وورتلی متن خود را با عنوان فقه، با مطالعه آنارشیسم آغاز کرد و در اوایل دهه ۱۹۸۰ شاهد مجموعه‌ای از مقالات در مورد نقد آنارشیستی از قانون بود. با وجود این، بحث درباره نظریه حقوقی آنارشیستی به ندرت از مرحله مقدماتی فراتر رفته است. اصول اساسی تشریح شده اما از تجزیه و تحلیل دقیق اجتناب شده است. بخشی از دلیل این امر ممکن است در مشکلات اساسی تعریف باشد. نگرانی مربوط به «نظریه‌های آنارشیستی حقوق» بوده است، اما آنارشیسم چیست؟ اکثر نویسندگان، چه نظریه‌پردازان آنارشیست و چه مفسران دانشگاهی، با این گزاره شروع می‌کنند که کلمه آنارشیسم از واژه یونانی Anarchos گرفته شده است و به معنای «بدون حکومت» یا «بدون حاکم» است. چنین ریشه‌شناسی نمی‌تواند جای تعریف را بگیرد، اما، فراتر از این واقعیت آشکار که آنارشیسم مستلزم طرد حاکمان است، هیچ تعریف دیگری ممکن به نظر نمی‌رسد (Bradney, 1985: 133).

قانون آنارشیستی مجموعه‌ای از هنجارهای مربوط به رفتار و تصمیم‌گیری در یک جامعه آنارشیستی است. این اصطلاح در مجموعه‌ای از بحث‌های جاری در شاخه‌های مختلف نظریه آنارشیستی در مورد اینکه چگونه هنجارهای رفتار فردی و یا جمعی و تصمیم‌گیری باید ایجاد و اجرا شود، استفاده می‌شود. اگرچه بسیاری از آنارشیست‌ها «قانون آنارشیستی» را صرفاً مترادف با قانون طبیعی می‌دانند، برخی دیگر معتقد هستند قانون در آنارشی دارای عناصر اضافی و منحصر به فردی است. در طول دو بیست سال گذشته که آنارشیسم رشد کرده و به گونه‌ای تکامل یافته که گونه‌های گوناگونی را در بر می‌گیرد،

مفاهیم مختلفی از «قانون آنارشیستی» تولید و مورد بحث قرار گرفته یا در عمل توسط شبکه‌های آنارشیستی مانند کنش جهانی مردم استفاده شده است (Anarchism and Law, 2023).

اساسی‌ترین اصل بسیاری از گرایش‌های آنارشیستی این است که هیچ فردی حق ندارد فرد دیگری را مجبور کند و هر کسی حق دارد در برابر اجبار از خود دفاع کند (اصل عدم تهاجم یا اصل تجاوز صفر). سیستم‌هایی که معمولاً اجباری در نظر گرفته می‌شوند شامل دولت، سرمایه‌داری و ستم نهادی می‌شوند. این اصل اساسی، مانند کمک‌های متقابل، برای بسیاری از قوانین آنارشیستی و در واقع بسیاری از نظریه‌های آنارشیستی، اساسی است. پیترو کروپوتکین، یک آنارکو-کمونیست برجسته، اظهار داشت که این اصل «با دیگران چنان کن که دوست داری با تو انجام دهند»، خلاصه می‌شود. به طور خلاصه، فلسفه آنارشیستی شامل «اخلاق متقابل» است، اما معمولاً آن را تایید می‌کند (Nathan, 2019: 65).

در دوران معاصر بدون تردید، گسترش و در عین حال تنوع مصادیق جرائم سازمان یافته یکی از معضلات بشر کنونی است، زمانی این مشکلات بیشتر بروز و ظهور پیدا می‌کند که این گروه‌ها در بدنه دولت‌ها به عنوان دست‌کم یکی از اصلی‌ترین بازیگران نظام بین‌الملل با حالتی موریانه‌وار نفوذ کرده‌اند، همین امر باعث شده برخی دولت‌ها یا واقعا نمی‌توانند و یا به ادبیات دیگر، اراده‌ای که با چنین مجرمین خطرناکی در تمامی ابعادش برخورد کنند را ندارند، این عدم مبارزه فراگیر با این پدیده شوم در درازمدت یک خطر بالقوه برای صلح و امنیت جهانی محسوب می‌شود. حقوق بین‌الملل کیفری به عنوان حفاظی که باید نظم عمومی بین‌المللی را حفاظت کند، در تقابل جنگ قدیمی سیاست و حقوق به نحوی از انحاء مختلف، در یک حالت انفعالی قرار دارد و علی‌رغم وجود قوانین متعدد بین‌الملل و کنوانسیون‌های بین‌المللی مختلف در این خصوص با یک وضعیت آنارشیک حقوقی در سطح نظام بین‌الملل در مبارزه با جرائم سازمان یافته بین‌المللی قرار داریم (موسوی فرد، ۱۴۰۰: ۲۰۱).

آنارشیسم اغلب خود را در برابر قانون قرار می‌دهد. با این حال، دیدگاه جایگزین ارائه شده توسط آنارشیسم با مشکلات نظری مواجه است. علاوه بر این، مطالعات موردی جوامع آنارشیستی مشکلات عملی را آشکار می‌کند و به همان رفتاری متوسل می‌شود که آنارشیسم به دلیل آن قانون را مورد انتقاد قرار می‌دهد. با این وجود، ارزش‌های ذاتی قانون به شدت با ارزش‌هایی که آنارشیسم از آن حمایت می‌کند، همسو است. در نهایت، قانون و آنارشیسم لازم نیست متضاد باشند. آنها می‌توانند کمک‌کننده باشند (Tamblyn, 2019).

۲. پیشینه تحقیقاتی

- مقاله با موضوع: بررسی نقش اتحادیه عرب در قبال مسئله فلسطین به قلم نادر پر آخوندی و همکاران به سال ۱۳۹۶ که در اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی به چاپ رسیده، در آن آمده است: شعارهای حمایت از فلسطین و تلاش برای یکپارچگی جهان عرب همواره داعیه و شعار سران کشورهای عربی در جهت دستیابی به رهبری جهان عرب به شمار می‌رود لکن گذشت زمان اثبات نموده که داعیه دشمنی با اسرائیل پس از فروکش نمودن امواج پان عربیسمی به سرعت رو به زوال رفته و مذاکرات صلح و تلاش برای ایجاد دائمی با اسرائیل از سوی سران عرب جایگزین تفکرات آرمان‌گرایانه گذشته گردیده است. بررسی روند عملکرد اتحادیه عرب و کنکاش دیپلماسی پنهان و آشکار کشورهای عضو در رابطه با اسرائیل و حل قضیه اسرائیل فلسطین به خوبی نمایانگر این مطلب است که کشورهای عربی در جهتی معکوس با منافع مردم مظلوم گام برداشته و در جهت تامین منافع خصوصی خویش و به دست آوردن دل هم‌پیمانان غربی خود گام بر می‌دارند. اتحادیه عرب به علت ضعف‌های عمده و مشکلات فراوانی که با آن دست به گریبان است، هرگز نتوانسته نقش مثبت و سازنده‌ای در قبال مسئله فلسطین ایفا نماید و در معادلات بین‌المللی و منطقه‌ای نیز جایگاه در خور توجهی را به خود اختصاص نداده است.

- مقاله با موضوع: تأثیر مسئله فلسطین در روابط سیاسی ایران و اسرائیل به قلم علیرضا کشاورز و همکاران به سال ۱۳۹۸ که در پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام به چاپ رسیده، در آن آمده است: سیاست خارجی، مجموعه خط مشی‌ها، تدابیر، روش‌ها و انتخاب مواضعی است که یک دولت در برخورد با امور مسائل خارجی در چارچوب اهداف کلی حاکم بر نظام سیاسی اعمال می‌نماید به عبارت دیگر سیاست خارجی بازتاب اهداف و سیاست‌های یک دولت در صحنه روابط بین‌المللی و در ارتباط با سایر دولت‌ها، جوامع و سازمان‌های بین‌المللی نهضت‌ها، افراد بیگانه و حوادث و اتفاقات جهانی می‌باشد. سرزمین فلسطین به لحاظ ویژگی‌های مذهبی، جایگاه ممتازی نزد مردم مسلمان ایران دارد. تاریخ روابط ایران و اسرائیل فراز و فرودهای بسیاری را به خود دیده و از دوران اعمال حاکمیت اسرائیل بر سرزمین فلسطین روابط دو کشور در درجات مختلفی از همکاری تا منازعه متغیر بوده است. در دوران پهلوی، با وجود مخالفت افکار عمومی و کشورهای عرب منطقه گاهی این روابط به صورت پنهان و آشکار وجود داشت و سال‌ها به طول انجامید. این روابط از شناسایی دوفاکتوی اسرائیل از

جانب دولت وقت ایران آغاز می‌شود که در این خصوص دو نیرو سیاسی عمل می‌کردند. اما در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مسیر به دشمنی کامل و تقابل تبدیل شده است.

- مقاله با موضوع: عوامل موثر در شکل‌گیری سیاست خارجی-امنیتی اسرائیل در مجموعه امنیتی خاورمیانه به قلم محمد باقر خرمشاد و همکاران به سال ۱۳۹۹ که در فصلنامه گفتمان راهبردی فلسطین به چاپ رسیده، در آن آمده است: محیط منازعه‌آمیز منطقه‌ای که اسرائیل در آن قرار گرفته به همراه وجود روابط استراتژیک با آمریکا و حمایت‌های اقتصادی و سیاسی این کشور از اسرائیل، بحث مهمی در بررسی سیاست خارجی این کشور است. استراتژی اسرائیل در انطباق خویش با مشکلات منطقه‌ای از جمله افزایش قدرت محور مقاومت و بازیگران موثر در آن و وجود معارضان عرب و توجه به قدرت‌های بین‌المللی، منجر به ظهور یک سیاست نظامی محور تهاجمی گردیده است. بر این اساس، پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سوال است که مهم‌ترین عوامل مداخله‌گر و موثر در شکل‌گیری سیاست خارجی اسرائیل در مجموعه امنیتی خاورمیانه چه بوده است.

- مقاله با موضوع: بررسی وضعیت و جایگاه مسئله فلسطین در عادی‌سازی روابط عربستان سعودی و رژیم اسرائیل به قلم حسن خداوردی و همکاران به سال ۱۴۰۱ که در فصلنامه مطالعات بین‌المللی به چاپ رسیده، در آن آمده است: مسئله فلسطین یکی از پیچیده‌ترین مسائل منطقه خاورمیانه از ۱۹۴۸ تا به حال است. رژیم اسرائیل در چندین جنگ با اعراب، بر مناطق فلسطینی زیادی مسلط شده و اراضی آنها را اشغال کرده است. این رژیم در اتحاد با آمریکا برای سال‌ها امنیت خود را تأمین شده می‌دید، اما رقابت روزافزون ایالات متحده با چین، که یکی از دلایل خروج تدریجی آن از منطقه است و افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه، موجب شده هم اعراب، به‌خصوص متحدان عربستان سعودی و هم رژیم اسرائیل با چالش‌های امنیتی روبه‌رو شده و از ۲۰۱۵، روندی موسوم به عادی‌سازی روابط را آغاز کنند. اعراب متحد عربستان، در روند عادی‌سازی، جایگاه بالایی برای آرمان فلسطین قائل نیستند؛ اما سعودی که ادعای رهبری مسلمانان را دارد، در شعار، حل مسئله فلسطین را یکی از شروط عادی‌سازی کامل روابط خود با رژیم اسرائیل می‌داند، با این حال چنانچه امنیت آن بیشتر تهدید شود، عربستان این شرط را نیز رها خواهد کرد.

۳. مفاهیم راهبردی

۳-۱: آسیب‌شناسی سیاسی

آسیب‌شناسی سیاسی، به‌عنوان شاخه‌ای از علوم سیاسی که اخیراً متولد شده، به نظر می‌رسد به جنبه‌های منفی‌ای اختصاص دارد که سیاست را از معنای اساسی آن، یعنی خدمت به منافع جمعی یا کل ملت‌ها یا جوامع انسانی محدود، یا به عبارت دیگر، بیگانه می‌کند؛ برای خدمت به خیر عمومی، همان‌طور که خود ارسطو آن را تعریف کرده است. علاوه بر این، تظاهرات آسیب‌شناختی شدیدی که در حوزه‌های اصلی سیاست رخ می‌دهد، ممکن است نابودی معنای اصلی آنها را تعیین کند و فجایع واقعی را برای جوامع بشری رقم بزند. با این حال، برعکس، اگر سیاست به معنای سودمند آن در نظر گرفته شود، تقسیم یا جدا نمی‌شود، بلکه نمایانگر آن سطح خاصی از وجدان انسانی است که یک رفتار مشترک و منسجم را برای گسترده‌ترین گروه‌های انسانی تسهیل می‌کند. سیاست اساس اجتماعات منسجم انسانی است. یک زیرساخت توافقی وجود دارد که دقیقاً از طریق سیاست به دست آمده که بقای جوامع انسانی و توسعه آنها را در طول قرن‌ها و هزاره‌ها ممکن ساخته است (Dragodan, 2012: 165).

تضمین انسجام اولیه گروه‌های انسانی از طریق سیاست، اختلافات را از بین نمی‌برد بلکه برعکس، آنها را پیش‌فرض می‌گیرد و گرنه حوزه سیاست خالی و بی‌معنا می‌شود. در کمونیسم، از بین بردن همبستگی ابتدایی در اساس جامعه همراه با حضور در راس رهبری با قدرت‌های اگوکراتیک، میدان سیاسی را به سرعت خالی کرده و بقای خود جامعه را تهدید می‌کند. این ویژگی در همه رژیم‌های توتالیتر مشترک است و اوج آسیب‌شناسی سیاسی را تشکیل می‌دهد. حتی پس از فروپاشی نظام‌های سیاسی مبتنی بر حزب واحد، در برخی از جوامع پسا کمونیستی، گرایش‌هایی در برخی احزاب وجود داشت که خود را به‌عنوان «حزب واحد» معرفی کنند. تأثیر انحرافی آنقدر قوی است که خود سیاستمداران در نهایت از سیاست به تحقیرآمیزترین معنای سخن می‌گویند و تمایل دارند که سیاسی شدن را با حزب‌گرایی اشتباه بگیرند. پاتولوژی همان‌طور که معروف است به معنای مطالعه سیستماتیک بیماری‌ها، تشخیص آنها، تجویز داروها و مهم‌تر از آن پیشگیری از آنها است (Ibid).

آسیب‌شناسی سیاسی به مطالعه جنبه‌های منفی یا ناکارآمد سیاست مانند خشونت، خیانت، فساد، پنهان‌کاری و تبلیغات و چگونگی تأثیر آنها بر حفظ و توسعه نظام‌های سیاسی اشاره دارد. این مفهوم نشان می‌دهد که این «بیماری‌های» بدنه سیاسی در واقع می‌توانند به خیر و صلاح نظام کمک کنند، زیرا

وجود فساد و سایر موارد نقض معیارهای اخلاقی و سیاسی، شاخص‌های توانایی یک سیستم برای جذب تعارض و پذیرش منطق رقیب هستند. آسیب‌شناسی سیاسی بر جنبه‌های ناکارآمد سیاست و اینکه چگونه می‌توانند به طور متناقضی به انعطاف‌پذیری و سازگاری نظام‌های سیاسی مختلف در نوع خود کمک کنند، تمرکز می‌کند (Friedrich, 1966: 70).

۲-۳: روان‌شناسی جنایی و سیاسی

در اینجا با دو مفهوم هم‌خانواده از نظر ریشه روان‌شناسی ولی در عین حال رویکردهای تخصصی در حوزه حقوق کیفری و جرم‌شناسی و علوم سیاسی روبه‌رو هستیم. ابتدا در خصوص روان‌شناسی جنایی می‌توان گفت: روان‌شناسی جنایی در طول دهه‌ها به حل جرایم بی‌شماری کمک کرده و این رشته در بین علاقه‌مندان به «جرم واقعی» بسیار محبوب است. حوزه روان‌شناسی جنایی به کارکردهای پیچیده ذهن جنایتکار می‌پردازد. روان‌شناس جنایی حرفه‌ای است که اراده‌ها، افکار، نیات و واکنش‌های مجرمان و مجرمان بالقوه را مطالعه می‌کند. ممکن است این یک سرمایه‌گذاری هیجان‌انگیز به نظر برسد که مستقیماً از یک سریال تلویزیونی محبوب بیرون آمده، اما یک حوزه علمی جدی با تأثیر عمیق اجتماعی است و تبدیل شدن به یک روان‌شناس جنایی کار آسانی نیست. تمرکز روان‌شناسی جنایی عمدتاً در درک و پیش‌بینی رفتار مجرمانه است. رشته روان‌شناسی جنایی مجموعه گسترده‌ای از جنبه‌های مربوط به رفتار یک جنایتکار را در بر می‌گیرد، مانند علل چنین رفتاری، افکار و احساسات پشت آن رفتار و پیشگیری از آن. در اصل، برای تبدیل شدن به یک روان‌شناس جنایی، درک این موضوع است که چرا افراد خاص مرتکب جرم می‌شوند و چگونه می‌توان از این اقدامات جلوگیری کرد. بنابراین، هدف اصلی رشته روان‌شناسی جنایی، صرفاً درک ذهن جنایتکاران به خاطر دانش نیست در عوض، روان‌شناسان جنایی تلاش می‌کنند تا این درک را در محیط‌های عملی به کار گیرند. به‌عنوان مثال، برای کمک به افسران مجری قانون در پیشگیری از جرایم یا کمک به بازپروری افرادی که مرتکب جرم شده‌اند. همچنین می‌تواند برای کمک به طراحی تسهیلات و برنامه‌های اصلاحی و... استفاده شود (American Public University, 2024).

در خصوص مفهوم روان‌شناسی سیاسی می‌توان گفت: روان‌شناسی سیاسی یک رشته دانشگاهی بین رشته‌ای است که به درک سیاست، سیاستمداران و رفتار سیاسی از منظر روان‌شناختی و فرایندهای روان‌شناختی با استفاده از دیدگاه‌های اجتماعی-سیاسی اختصاص دارد (Paul et al, 2018: 142). رابطه بین سیاست و روان‌شناسی دو طرفه در نظر گرفته می‌شود، با روان‌شناسی به‌عنوان عدسی برای درک

سیاست و سیاست به‌عنوان لنزی برای درک روان‌شناسی استفاده می‌شود. روان‌شناسی سیاسی به‌عنوان یک رشته بین رشته‌ای، از طیف وسیعی از رشته‌ها وام گرفته است، از جمله: انسان‌شناسی، اقتصاد، تاریخ، روابط بین‌الملل، روزنامه‌نگاری، رسانه، فلسفه، علوم سیاسی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی. هدف روان‌شناسی سیاسی درک روابط متقابل بین افراد و زمینه‌هایی است که تحت تأثیر باورها، انگیزه، ادراک، شناخت، پردازش اطلاعات، راهبردهای یادگیری، اجتماعی شدن و شکل‌گیری نگرش است. نظریه و رویکردهای روان‌شناختی سیاسی در زمینه‌های بسیاری از جمله: نقش رهبری، سیاست‌گذاری داخلی و خارجی، رفتار در خشونت قومی، جنگ و نسل‌کشی، پویایی و تعارض گروه، رفتار نژادپرستانه، نگرش و انگیزه رای دادن، نقش رسانه‌ها، ناسیونالیسم و افراط‌گرایی سیاسی است (Martha et al: 2010).

۳-۳: مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در حفظ صلح و امنیت

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها برای حفظ صلح و امنیت جنبه اساسی حاکمیت جهانی است. دولت‌ها وظیفه اصلی خود را برای محافظت از زندگی، آزادی و اموال شهروندان خود دارند و این امر به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی نیز گسترش می‌یابد. منشور سازمان ملل متحد مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت واگذار می‌کند. این مسئولیت شامل استفاده از ابزارها و مکانیسم‌های مختلف برای مقابله با تهدیدات صلح، از جمله بی‌ثباتی اقتصادی، اجتماعی، بشردوستانه و زیست محیطی است. نقش شورای امنیت به این شکل تکامل یافته است که صلح فقط عدم وجود جنگ نیست بلکه شامل یک مفهوم گسترده‌تر می‌باشد که شامل تضمین یک جامعه امن و صلح‌آمیز برای همه افراد است. تلاش‌های بین‌المللی برای حفظ صلح و امنیت شامل یک رویکرد هماهنگ بین کشورها است که اغلب توسط ائتلاف‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل، ناتو و اتحادیه اروپا تسهیل می‌شود. این اتحادها منابع را جمع‌آوری می‌کنند، سربازان را مستقر می‌کنند و برای حل اختلافات بر طرف‌های متناقض فشار می‌آورند. علاوه بر این، مداخلات بین‌المللی می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد، مانند ایجاد جوامع صلح‌آمیز، اعمال تحریم‌ها، انجام ماموریت‌های نظامی و حفظ حاکمیت قانون از طریق دادگاه‌ها و دادگاه‌های بین‌المللی. در نهایت، جامعه بین‌المللی نقش مهمی در جلوگیری از جنگ‌های جدید از طریق رویکردهای همکاری و چند وجهی ایفا می‌کند (Ministerie van Algemene Zaken, 2021).

دولت‌ها با همکاری جمعی می‌توانند صلح و امنیت بین‌المللی را از طریق تلاش‌ها و مکانیسم‌های هماهنگ حفظ کنند. یکی از جنبه‌های کلیدی همکاری بین کشورهای داخل اتحاد بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد (UN)، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و اتحادیه اروپا است. این اتحادها به کشورها اجازه می‌دهد تا منابع را جمع‌آوری کنند، سربازان را مستقر کنند و برای حل اختلافات بر طرف‌های متناقض فشار وارد کنند. با همکاری جمعی، دولت‌ها می‌توانند منابع مالی و نیروهای کافی را برای دستیابی به اهداف مشترک به کار گیرند و بر طرف‌های درگیر فشار وارد کنند تا به دنبال قطعنامه‌های صلح‌آمیز باشند^۱. علاوه بر این، دولت‌ها در یک رویکرد سه بعدی درگیر هستند که شامل دفاع، توسعه و دیپلماسی است. این رویکرد، همان‌طور که در هلند نشان داده شده، بر پرداختن به علل ریشه‌ای درگیری‌ها مانند رقابت برای منابع، حکومت‌داری ضعیف و نابرابری اجتماعی تمرکز دارد. با ادغام دفاع، توسعه و دیپلماسی، دولت‌ها می‌توانند به طور جامع با درگیری‌ها مقابله کنند و به صلح و امنیت بین‌المللی کمک کنند علاوه بر این، دولت‌ها در فعالیت‌های همکاری صلح بین‌المللی مانند عملیات حفظ صلح سازمان ملل (PKO) و عملیات بین‌المللی کمک به بلایای طبیعی شرکت می‌کنند. این فعالیت‌ها شامل همکاری با جامعه بین‌المللی برای بهبود محیط امنیتی بین‌المللی، پاسخگویی به بحران‌ها و کمک به صلح و ثبات در سطح جهانی است. با مشارکت در این فعالیت‌ها، دولت‌ها تعهد خود را به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از طریق تلاش‌های مشترک با دیگر کشورها نشان می‌دهند. عدم پاسخگویی جامعه بین‌المللی به کمیسیون گسترده جنایات بین‌المللی به نقص دائمی در سیستم سازمان ملل متحد (UN) اشاره دارد، یعنی ناتوانی یا عدم تمایل اعضای دائمی شورای امنیت برای اقدام در پاسخ به چنین جنایات. این مقاله بر روی همگرایی مشکل‌ساز حاکمیت بین‌المللی و پاسخ بشردوستانه تمرکز دارد (Kenny, 2016: 3).

این یک واقعیت است که متن منشور تصویری کاملاً گمراه‌کننده از سازمان ملل متحد به شکل امروزی ارائه می‌دهد. این به هیچ وجه بیشتر از عملکرد سازمان در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی صادق نیست. آن مفاد منشور که توسط نویسندگان آن ادعا شده بود به سازمان جدید کمک می‌کند که جامعه ملل از آنها برخوردار نبود، یا هرگز مورد استفاده قرار نگرفته و یا در عمل اهمیت چندانی نداشته است.

1 - See: International Peace and Security, and Pandemics: Security Council Precedents and Options - World. (2020, April 6). Relief Web. <https://reliefweb.int/report/world/international-peace-and-security-and-pandemics-security-council-precedents-and-options>.

تاکیدات جدید و روش‌های جدیدی از طریق تفسیر آزادانه مقررات منشور ایجاد شده است. با این حال، این موارد همیشه برای همه اعضا به یک اندازه قابل قبول نبوده است. روند انطباق و توسعه ادامه می‌یابد، با عدم اطمینان زیادی در حال حاضر در مورد آنچه در آینده ذخیره می‌شود (Goodrich, 1965: 429).

یافته‌های تحقیقاتی

۴. صبغه تاریخی اختلافات قومی و مذهبی درون اسلامی

به این قضیه با نگاهی تاریخی ورود می‌کنیم: فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، سیاست بین‌الملل را دگرگون کرد و ماهیت نظم جهانی را تغییر داد. پایان دو قطبی فضاهاى جدیدی را برای استثمار کشورهای در حال ظهور باز کرد و بسیاری از دولت‌های تحت سلطه شروع به ایفای نقش حیاتی در توزیع مجدد قدرت کردند. ایران که بین قفقاز و اقیانوس هند واقع شده، دارای موقعیت مهم نظامی-استراتژیک با توانایی کنترل خلیج فارس، منطقه دریای خزر، افغانستان و حتی پاکستان است. با این حال، این نقطه گسست در زنجیره پایگاه‌های آمریکا در منطقه بزرگ‌تر خاورمیانه است. این جستار چشم‌انداز تبدیل شدن ایران به قدرت پیشرو در منطقه را بررسی می‌کند. شرایط مساعد و موانع در برابر چنین اقداماتی را مشخص می‌کند (GAFFAR, 2015: 64). اینجا است که به عقیده کارشناسان رویکردهای ایران در خلاف نظم جهانی نقطه عطف تحولات خاورمیانه معاصر است.

خاورمیانه در نتیجه اختلافات بین کشورها به عرصه رقابت منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده که برای دستیابی به منافع و جایگاه خود در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ابعاد سیاسی و اقتصادی به خود گرفته است. این رقابت عمدتاً ناشی از اهمیت استراتژیک، ژئوپلیتیکی و اقتصادی منطقه است که این قدرت‌ها یا بازیگران منطقه‌ای را بر آن داشته تا سیاست‌ها و پروژه‌های خود را به گونه‌ای تدوین کنند که به زیان سایر کشورها، بیشترین گسترش را در منطقه تضمین کنند. یکی از علل گسترش تنش حضور اسرائیل در منطقه ارزیابی شده است بر این اساس، حضور این کشور در منطقه خاورمیانه ارتباط مستقیمی با تعریف مفهوم استراتژیک قدرت‌های بزرگ به رهبری ایالات متحده آمریکا با حفظ منافع خود و متحدانش در منطقه و مهار کشورهای عربی دارد که با آن مخالفت می‌کنند. این بازیگران منطقه‌ای (ایران و اسرائیل) در نتیجه عوامل و متغیرهای متعددی از جمله سیاست قدرت نرم، قدرت اقتصادی و توانمندی‌های نظامی بالا به بازیگران تأثیرگذار در منطقه عربی تبدیل شده‌اند. این رقابت بر سر منطقه

خاورمیانه قطعاً مورد حمایت بازیگران بین‌المللی است. رقابت منطقه‌ای یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی منطقه خاورمیانه است و هنوز هم وجود دارد، به‌ویژه چالش‌هایی که بین بازیگران منطقه برای دستیابی به اهداف و راهبردهای خود وجود دارد و این رقابت به طور مستقیم بر ثبات منطقه از لحاظ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و غیره تأثیر گذاشته است (Khamis, 2023: 1).

اگر بخواهیم چنین رویکردی را در بستر اختلافات هویتی مورد نظر سازه‌نگاری که در قالب جرم‌شناسی جنایات بین‌المللی و پیشگیری از بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی آن را تفسیر کنیم باید گفت: برای درک شخصیت کنونی منطقه خاورمیانه، باید تصویر روشنی از بستری که نظم حاکم در آن شکل گرفت، داشت. باید روابط بین احزاب، الگوهای رفتاری غالب نهادها و نهادهایی که نظم منطقه‌ای را ایجاد و شکل دادند و دخالت نیروهای خارجی را در نظر گرفت. با این حال، دوره‌های ثبات و بی‌ثباتی و مسائل امنیتی مستمر را به بهترین نحو با قدرت، جاه‌طلبی، رفتار و تعامل قدرت‌های منطقه (ایران، مصر، عربستان سعودی و ترکیه) توضیح می‌دهند. روابط و درگیری‌های بین این قدرت‌ها و نمونه‌هایی از همکاری و همگرایی در مرکز بررسی تغییرات نظم منطقه‌ای خاورمیانه در هفت دهه گذشته خواهد بود (Ponížilová, 2016).

در تحقیقات آمده است هویت فرقه‌ای (قومی، قبیله‌ای یا مذهبی) نتیجه جنگ است تا علت جنگ، حتی اگر چنین هویت‌هایی از حافظه استفاده (انتخابی) کنند. مفهوم این گزاره این است که جنگ را کمتر باید به‌عنوان یک رقابت خارجی اراده بین دو طرف تفسیر کرد، بلکه باید به‌عنوان تلاشی یک طرفه و یا موازی برای ساختن هویت‌های سیاسی تک بعدی به‌عنوان مبنایی برای قدرت تفسیر شود. قدرت ناشی از هویتی که به این شکل ساخته شده است، احتمالاً اقتدارگرا و سرکوبگر است. ثانیاً، روش‌های مختلف ارتباطی زمینه را برای شیوه‌های مختلف قدرت فراهم می‌کند و این مهم است. قدرت در تمام اشکال ارتباطی پخش می‌شود. اما زبان خشونت در مقایسه با دیگر اشکال ارتباطی غیر خشونت‌آمیز کمتر در معرض آزادی و رهایی انسان است. استدلال‌ها از طریق نقد کار نظریه‌پرداز حقوقی آلمانی کارل اشمیت و تصور او از تمایز دوست و دشمن به‌عنوان مبنایی برای اقتدار سیاسی توضیح داده می‌شود. در عصر جهانی، زمانی که جنگ سنتی بین دولتی رو به افول است، احتمال بیشتری برای هویت‌های چندگانه و لایه‌بندی اقتدار سیاسی وجود دارد، اگرچه تلاش‌هایی نیز برای احیای تمایز دوست و دشمن (حسب مورد) در بسیاری از کشورها وجود دارد (Kaldor, 2013: 336).

۵. حفظ حکومت بر اساس تعامل مصلحت‌گرایی

مصلحت‌سیاسی به اقداماتی اطلاق می‌شود که توسط افراد به‌ویژه در دولت انجام می‌شود که دستیابی به اهداف یا منافع کوتاه مدت را در اولویت قرار می‌دهد که اغلب به بهای از دست دادن پیامدهای بلند مدت یا ملاحظات اخلاقی است. این شامل تصمیم‌گیری بر اساس آن چیزی است که از نظر سیاسی مناسب یا سودمند است تا اینکه چه چیزی از نظر اخلاقی درست است یا چه چیزی واقعاً وضعیت را بهبود می‌بخشد. این اصطلاح معمولاً برای توصیف استراتژی‌ها یا راه‌حل‌هایی استفاده می‌شود که ممکن است در کوتاه مدت عملی باشند، اما فاقد انصاف یا ملاحظات اخلاقی باشند. هنگامی که مقامات به جای پرداختن به مسائل اساسی یا اتخاذ تصمیمات دشوار که ممکن است اثرات بلند مدت بهتری داشته باشند، راه‌حل‌های آسان را انتخاب کنند، مصلحت‌سیاسی می‌تواند منجر به نتایج منفی شود. هرچند برخی معتقد هستند در واقع مصلحت‌سیاسی به معنای ابزاری برای تهدید نظری و شناختی دشمن برای کاهش احتمال اعمال قدرت سخت او می‌باشد و سبب افزایش بازدارندگی نظام سیاسی می‌گردد (قیصری و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۵).

نوعاً مصلحت‌سیاسی می‌تواند با اولویت دادن به دستاوردهای سیاسی کوتاه مدت بر پیامدهای بلند مدت و ملاحظات اخلاقی، تأثیرات منفی قابل توجهی بر سیاست‌گذاری داشته باشد. زمانی که مقامات تصمیم‌گیری می‌کنند بر اساس آنچه که از نظر سیاسی مناسب یا سودمند است نه آنچه از نظر اخلاقی درست است یا واقعاً وضعیت را بهبود می‌بخشد، می‌تواند منجر به سیاست‌های ناعادلانه، ناکارآمد یا حتی مضر شود. مصلحت‌سیاسی با اولویت دادن به منافع سیاسی بر منفعت عمومی، حکمرانی خوب را تضعیف می‌کند. این منجر به سیاست‌هایی می‌شود که ممکن است در حال حاضر محبوب باشند اما در ایجاد تغییرات مثبت معنادار و پایدار ناکام باشند. برای بهبود نتایج سیاست، مقامات باید تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد و اخلاقی را که تأثیرات بلند مدت را بر مصلحت‌های سیاسی کوتاه مدت در نظر می‌گیرد، اولویت دهند. مثلاً اگر بخواهیم به صورت مصداقی صحبت کنیم کشورها بر اساس امیدها، رویاها و شجاعت پناهندگان ساخته شده‌اند. در سال‌های اخیر، مشکل جهانی پناهندگان شدیدتر شده و واکنش‌های دولت‌های سراسر جهان به طور کلی منفی بوده، این نوع مصلحت است (Carroll et al, 2005).

حفظ دولت بر اساس تعامل منفعت‌محور مستلزم درک پویایی بین نهادهای دولتی و گروه‌های ذی‌نفع مختلف است. تحقیقات نشان می‌دهد که تعاملات گروه‌های ذی‌نفع-حزب سیاسی به سمت شکل‌های

عمل‌گرایانه‌تر همکاری تکامل یافته و از روابط نزدیک ایدئولوژیک فاصله گرفته است. عوامل مؤثر بر این تعاملات عبارت هستند از وضعیت حزب، برجستگی موضوع و منابع گروه. احزاب جریان اصلی اغلب هدف اصلی گروه‌های ذی‌نفع هستند، به‌ویژه آنهایی که با موضوعات برجسته سر و کار دارند و گروه‌هایی با منابع بیشتر تمایل دارند با تعداد بیشتری از احزاب تعامل داشته باشند. این تغییر به سمت همکاری عمل‌گرایانه اهمیت عوامل ساختاری و محرک‌های کوتاه مدت را در شکل‌دهی تعاملات دولت بر اساس منافع برجسته می‌کند. در منابع مصلحت‌به‌عنوان یک صفت برجسته سیاسی نام برده شده است^۱.

آنچه مطمح نظر ماکیاولی، متفکر بزرگ سیاسی سده‌های پانزدهم و شانزدهم ایتالیا بوده، این مهم بود که چگونه می‌توان روش‌های اجرایی و درست به دست داد، تا به آن دستاویز، کشور را از هجوم ویرانی و تباهی نجات داد. ماکیاولی به واقع‌گرایی و مصلحت‌اندیشی در نظریات خویش به‌عنوان دو رکن اساسی در امور سیاسی، توجه عمده نمود. آنچه از نظریه ماکیاولی محقق شد، شکل‌گیری وحدت ملی و مصلحت عمومی بود (سام خانبانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۲۵).

۶. لزوم هماهنگی و کسب رضایت قدرت‌های بزرگ

در برخی از تحقیقات انجام شده آمده است موفقیت اسرائیل در جنگ علیه کشورهای عربی را نباید منحصرراً به قدرت نظامی خود و بی‌کفایتی نسبی دشمنانش نسبت داد. عامل مهم دیگر دخالت قدرت‌های بزرگ در جنگ‌های اعراب و اسرائیل بود. علی‌رغم ترس‌های اولیه اسرائیل، چنین دخالتی در بیشتر موارد یا نتوانست دستاوردهای نظامی اسرائیل را انکار کند یا به دو دلیل اصلی یک دارایی بود: فقدان اراده یا توانایی قدرت‌های بزرگ متخاصم برای مداخله علیه اسرائیل و حمایت یک حامی دوستانه که بدون آن مهارت‌های نظامی خود اسرائیل برای تضمین موفقیت نظامی کافی نبود. اینجا است که نقش برخی از قدرت‌های بزرگ به خوبی ملموس است (Kober, 2006: 20).

مثلاً در تحقیقات دیگری آمده، تغییر رفتار بین‌المللی در عربستان سعودی که به خوبی مورد بحث قرار گرفت، به جای اینکه پیامد بهار عربی باشد، ناشی از ارزیابی مجدد استراتژی بزرگ در اوایل دهه ۲۰۰۰ است. استراتژی کلان به نحوه ارزیابی محیط ژئواستراتژیک توسط دولت‌ها، برنامه‌ریزی تخصیص منابع و اولویت‌بندی سیاست‌ها برای تامین منافع ملی مربوط می‌شود. از دهه ۱۹۷۰، ریاض آسیب‌پذیری‌های

1 - See: <https://www.wordreference.com/definition/Political>

ژئوپلیتیکی خود در مورد ایران و عراق را به طور واقع‌بینانه ارزیابی می‌کرد و از کم‌ترین تهدیدکننده‌ترین بازیگر این دو حمایت می‌کرد و برای حفاظت از وضعیت موجود به ایالات متحده تکیه می‌کرد. با این حال، تهاجم عراق در سال ۲۰۰۳، ارزیابی مجدد استراتژی را مجبور کرد، زیرا بغداد را از رقابت قدرت حذف کرد و تهران، واشینگتن و ریاض را قدرتمند کرد. در این سناریوی جدید، عربستان سعودی نهایتاً در مورد رهبری منطقه‌ای به‌عنوان منافع اولویت خود تصمیم می‌گیرد و در نتیجه، استقلال نسبی از واشینگتن و رقابت با تهران را ارتقا می‌دهد. در نتیجه در حالی که هدف ژئوپلیتیک عربستان سعودی تنها پس از سال ۲۰۱۱ برای ناظران خارجی مشخص بود، فرایند برنامه‌ریزی اولویت دارد. از لحاظ نظری، این جستار با ارائه بینشی در مورد رفتار وضعیت جویانه عربستان سعودی، انگیزه‌ها و محدودیت‌های بالقوه آن، به بحث در مورد غرب‌زدایی واقع‌گرایی با ترکیب زمینه‌های خاورمیانه کمک می‌کند (Ceroli, 2023: 278). در این خصوص روند مذاکرات عادی‌سازی روابط با اسرائیل نیز در همین طیف و در قالب همین برنامه قابل بحث و بررسی است که می‌تواند به‌عنوان یک راهبرد در سیاست خارجی کشور عربستان سعودی در تعامل با قدرت‌های بزرگ به صورت خاصه آمریکا مورد ارزیابی قرار گیرد.

در تحقیقات دیگری مسئله به نحو دیگری پوشش داده شده است یعنی از نفوذ قدرت‌های بزرگ بین‌المللی در نتیجه شکاف منطقه‌ای به قضیه نگریسته است؛ امروزه سه قدرت خارج، ایالات متحده، چین و روسیه، بازیگران اصلی پشت رقابت قدرت‌های بزرگ در خاورمیانه هستند. پیامدهای قیام‌های عربی، افول نظم پس از جنگ سرد و افزایش رقابت جهانی بین قدرت‌های بزرگ، این رقابت منطقه‌ای را دوباره به وجود آورده است. رقابت قدرت‌های بزرگ، همراه با شکاف‌های منطقه‌ای از قبل موجود بین ایران، کشورهای عربی سنی به رهبری عربستان سعودی، اسرائیل و ترکیه، علامت منفی خود را بر ثبات منطقه گذاشته است. خاورمیانه با هیدروکربن‌های غنی، موقعیت ژئوپلیتیک استراتژیک، خطوط دریایی کلیدی بین‌المللی و نقاط خفه، از کانال سوئز و باب‌المندب تا تنگه هرمز برای سال‌ها مکانی طبیعی برای رقابت قدرت‌های بزرگ بوده است. پیامدهای قیام‌های اعراب و افول نظم پس از جنگ سرد باعث شده که این رقابت دوباره به وجود آید. رقابت قدرت‌های بزرگ، همراه با شکاف‌های منطقه‌ای موجود بین ایران، کشورهای عربی به رهبری عربستان سعودی، اسرائیل و ترکیه، علامت منفی خود را بر ثبات منطقه گذاشته است. بر اساس استراتژی امنیت ملی ایالات متحده در سال ۲۰۱۷ که توسط دولت ترامپ صادر شد، «رقابت قدرت‌های بزرگ بازگشته است» و به طور خاص، چین و

روسیه «قدرت، نفوذ و منافع آمریکا را به چالش می‌کشند و تلاش می‌کنند امنیت و رفاه آمریکا را از بین ببرند». ایالات متحده رسماً تمرکز سیاست خارجی خود را به رقابت قدرت‌های بزرگ تغییر داد و چین و روسیه را به‌عنوان رقبای اصلی خود نام برد (Michnik, 2021).

با در نظر گرفتن تفاسیر فوق می‌توان چنین انگاشت اسرائیل به‌عنوان پایگاه راهبردی و متحد آمریکا در منطقه ارتباط تنگاتنگی با این قدرت بزرگ دارد در نتیجه رقابت‌های منطقه‌ای که گوشه‌ای از آن به نمایش گذاشته شده، طبیعی است کشورهایی که در راهبرد سیاست خارجی خود به آمریکا تکیه کرده‌اند یا حداقل در هماهنگی و موازات سیاست‌های آن حرکت می‌کنند، نسبت به خواست منطقه‌ای این قدرت بزرگ باید انعطاف‌پذیری و تعامل بیشتری از خود نشان دهند.

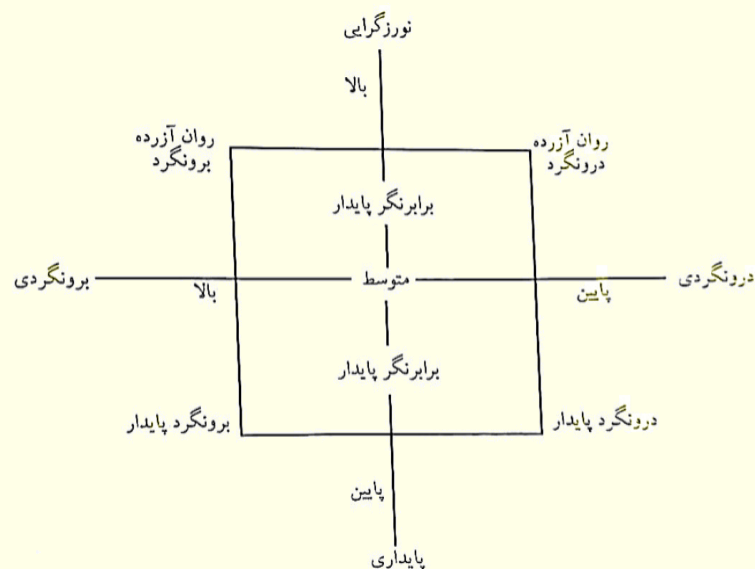
۷. خصوصیات روانی دیکتاتوری‌ها در روان‌شناسی (جنایی و سیاسی)

سوالی که بدو پیش می‌آید چنین است: آیا اساساً رویکردها و مدل‌های کنونی روان‌شناسی جنایی که پیامدهای جامعه‌شناختی را نیز به دنبال دارد، با در نظر گرفتن ظرفیت روان‌شناسی سیاسی، توانایی تحلیل و شناخت شخصیت و رفتار دیکتاتورها را دارد یا خیر؟ به نظر می‌رسد با توجه به ظرفیت‌های اختلالات تیپ هشت ایناگرام، برخی خصوصیات روان‌پریشی و برون‌گرایی در نظریه آیزنک، ظرفیت علمی شناخت چنین بستری را دارد. نتایج حاکی از آن است که تبعاتی همچون وجود زندانیان مخالف سیاسی از طریق جنگ‌طلبی، خشونت بالا در سطح داخلی برای کنترل شورش‌های احتمالی، حلقه نزدیکان محدود که اغلب فاسد هستند، وجود رفتارهای تکانشی و بی‌پروا، دروغ گفتن به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به مزایا و منفعت شخصی و... از کم‌ترین تبعات جرم‌شناختی این اختلالات روانی است (موسوی فرد و همکاران، ۱۴۰۰: ۱).

علی‌رغم قرن‌ها توسعه سیاسی، رهبران دیکتاتوری و سرکوبگر همچنان در کشورهای سراسر جهان، از جمله در دموکراسی‌های مستقر، ظهور کرده و حکومت می‌کنند. این موضوع تعدادی از سؤالات حیاتی را در مورد ظهور این دیکتاتورها و همچنین سیستم‌ها و شرکت‌کنندگانی که به قدرت رسیدن آنها را امکان‌پذیر می‌سازد، مطرح می‌کند. به‌عنوان مثال، چه شرایطی امکان توسعه دیکتاتوری را در سیستمی فراهم می‌کند که ظاهراً برای جلوگیری از آن طراحی شده است (The Psychology of Dictatorship and Democracy).

دیکتاتوری‌های مدرن ضد دموکراسی هستند؛ دیکتاتوری‌ها نسبتاً بسته و دموکراسی‌ها نسبتاً باز هستند. دیکتاتوری‌ها این کار را نمی‌کنند و دموکراسی‌ها به شهروندان این امکان را می‌دهند که به طور مرتب

رهبران سیاسی را که به حاکمیت قانون پایبند هستند، انتقاد کرده و تغییر دهند. دیکتاتوری توسط یک فرد یا دسته‌ای اداره می‌شود که از طریق انتخابات آزاد و منصفانه توسط جمعیت موضوع انتخاب نمی‌شود و از طریق انتخابات عمومی قابل حذف نیست، با کنترل مستقیم یک دستگاه امنیتی که مخالفان سیاسی را سرکوب می‌کند. بدون هیچ‌گونه بررسی مستقل قانونی و قضایی با سیاست‌هایی که منعکس‌کننده خواسته‌ها و هوس‌های فرد یا دسته دیکتاتور است نه خواست مردم و با کنترل بالا بر نظام آموزشی، رسانه‌های جمعی، سیستم‌های ارتباطی و اطلاعاتی و همچنین حرکت شهروندان به سمت هدف تداوم حاکمیت انحصاری رژیم است. در تحلیل علمی علم روان‌شناسی شامل روان‌شناسی شخصیت (نظریه روان‌کاوی فروید و آزمون شخصیت پنج بزرگ)، روان‌شناسی متقابل فرهنگی و روان‌شناسی اجتماعی را آغاز می‌کند (اطاعت و انطباق برای اولین بار در آنجا معرفی شده‌اند). در برخی آثار مسئله دیکتاتوری با عنوان روان‌شناسی هنجاری و دیکتاتوری، که نشان می‌دهد شکل‌گیری هنجار مهم است، شناخته می‌شود (Moskalenko, 2015: 91). اگر بخواهیم مدل پیشنهادی رفتار دیکتاتوران سیاسی را مورد بررسی قرار دهیم باید به نظریه آیزنیک رجوع کنیم:



۸. مسئولیت‌های بین‌المللی رهبران سیاسی در جنایات بین‌المللی

مسئولیت^۱ مفهومی است که بار حقوقی، اجتماعی، اخلاقی و سیاسی دارد. در دنیای سیاست، مسئولیت دست‌کم دو معنا دارد که در ادامه به آن می‌پردازیم. حکومتی که به این دو معنا پایبند باشد «حکومت

مسئول» قلمداد می‌شود. مسئولیت گاهی به معنای اقدام به شیوه‌ای مناسب، خردمندانه و به لحاظ اخلاقی «درست» به کار می‌رود. این معنا از مسئولیت، یعنی عمل یا سیاست عقلانی و اخلاقی است. البته برخی از مواقع می‌بینم در حوزه حقوق سیاسی مسئولیت‌پذیری صرفاً در حد شعار است؛ اگر بخواهیم آن را به صورت مصداقی تشریح کنیم چنین می‌توان گفت: مثلاً در حکومت‌های کمونیستی، هیأت حاکمه مدعی بود که به نمایندگی از مردم حکومت می‌کند ولی عملاً در برابر مردم تحت حاکمیتش پاسخگو نبود و به آنها حساب پس نمی‌داد. کسانی را هم که خواهان پاسخگویی‌اش بودند، «دشمن خلق» یا «مزدور امپریالیسم» معرفی می‌کرد و با این برچسب‌ها از حساب پس دادن به مردم طفره می‌رفت. در حکومت‌های کمونیستی به اسم تحقق عدالت اجتماعی، گاه میلیون‌ها نفر به انحاء گوناگون قربانی می‌شدند و جان خود را از دست می‌دادند ولی معلوم نبود که چه کسی باید در قبال سیاست‌های خسارت‌بار منتهی به چنان وضعی، پاسخگو باشد. حتی دهه‌ها بعد نیز حزب کمونیست یا سایر کمونیست‌ها نیازی نمی‌دیدند که بابت فجایعی که خودشان یا هم‌فکرانشان رقم زده بودند، پاسخگو باشند. پاسخگویی به معنای مسئول بودن حکومت در برابر مردم، بُعد اخلاقی مهمی نیز دارد و آن اینکه، حکومت مایل به پذیرش سرزنش و تحمل مجازات متناسب با عمل یا سیاست نادرست یا خسارت‌زای خود است. استعفای مقامات سیاسی، یکی از نشانه‌های تمایل حکومت به پذیرش سرزنش مردم است. هر چقدر فرهنگ «کناره‌گیری از قدرت» در بین بین هیأت حاکمه یک جامعه رایج‌تر باشد، «حکومت مسئول» نمود بیشتری دارد. مثلاً در ژاپن گاه یکی از وزرا در واکنش به خطایی نه چندان حاد در وزارتخانه‌اش، از قدرت استعفا می‌کند تا به نارضایتی مردم بی‌اعتنایی نکرده باشد و یا در کره جنوبی در سال‌های اخیر، رئیس‌جمهور به دلیل فساد مالی یکی از دوستان نزدیکش از مقامش استعفا کرد. هر چقدر خاستگاه حکومت و فرهنگ سیاسی هیأت حاکمه دموکراتیک‌تر باشد، کناره‌گیری مقامات حکومتی از قدرت یا تن دادن حکومت به مجازات کارگزارانش بابت فساد و سایر خطاهای بزرگ، آسان‌تر خواهد بود. چنین وضعی مصداق راستین تحقق «مسئولیت» در فضای سیاسی و به تبع آن، شکل‌گیری «حکومت مسئول» است (asriran.com/003fBD).

در نظام بین‌الملل نیز دقیقاً چنین وضعیتی حاکم است. حاکمان سیاسی دارای مسئولیت‌هایی در قبال منطقه و نظام بین‌الملل هستند، باید در خصوص چنین رویکردی در سطح نظام بین‌الملل پاسخگو باشند چرا که در اینجا ضرورت حفظ صلح و امنیت نظام بین‌الملل است. ما شاهد افزایش قابل توجه جهانی در درگیری‌های طولانی و غیر قابل حل هستیم که باعث بحران‌های بشردوستانه بزرگ‌تر و عمیق‌تر،

رنج طولانی مدت انسانی، آشفتگی سیاسی، هزینه‌های هنگفت اقتصادی و مالی و آوارگی در مقیاس بزرگ و جریان پناهجویان می‌شود. تا زمانی که رهبران سیاسی اراده‌ای برای پیشگیری و پایان دادن به بحران‌ها از خود نشان ندهند، چیزی برای میلیون‌ها کودک، زن و مردی که در این بحران‌ها گرفتار شده‌اند، تغییر نخواهد کرد. رهبران -از جمله اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد- باید شفقت و شجاعت را در قلب تصمیم‌گیری جمعی خود قرار دهند. آنها باید از تمام اهرم‌های سیاسی، اقتصادی و غیره برای جلوگیری از درگیری‌ها و یافتن راه‌حل استفاده کنند. آنها باید برای سرمایه‌گذاری در جوامع صلح‌آمیز و فراگیر، اختلافات را کنار بگذارند. سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی باید در شناسایی نشانه‌های اولیه نقض حقوق بشر و وضعیت رو به وخامت مهارت بیشتری داشته باشند و مایل باشند قبل از وخامت بیشتر شرایط اقدام کنند. جامعه بین‌المللی، از جمله شورای امنیت سازمان ملل متحد، باید عزم بیشتری برای تلاش سریع در جهت وحدت سیاسی برای رسیدگی به تنش‌ها و کاهش خشونت نشان دهد. داستان‌های موفقیت‌آمیز در زمینه پیشگیری و حل تعارض باید ضبط و ترویج شوند (<https://agendaforhumanity.org/transformation/46.html>).

یکی از رویکردهای رهبران سیاسی حفظ نظم بین‌المللی و عدم تنش‌های احتمالی در جهت برهم خوردن نظم بین‌المللی است. رهبران سیاسی نقش مهمی در مبارزه با سخنان نفرت‌انگیز و عدم تحمل در مقیاس بین‌المللی دارند. این هم یک تعهد سیاسی و هم یک مسئولیت اخلاقی برای رهبران سیاسی است که از استفاده از سخنان نفرت‌انگیز اجتناب کنند و استفاده از آن توسط دیگران برای جلوگیری از عادی‌سازی را محکوم کنند. رهبران سیاسی باید برای اجرای مقررات قانونی برای مقابله با سخنان نفرت‌انگیز، از جمله قوانین اداری، مدنی و کیفری، به‌عنوان آخرین راه‌حل تلاش کنند. همکاری با رسانه‌ها برای اطمینان از گزارش مسئولانه و تعامل با واسطه‌های اینترنتی برای تنظیم و حذف محتوای توهین‌آمیز گام‌های ضروری در مبارزه با سخنان نفرت‌انگیز در سطح بین‌المللی است. مثلاً در اروپا رهبران سیاسی ملزم به حفظ وحدت در منطقه فوق‌الذکر هستند؛ در گزارش‌های رسمی آن مرجع آمده است: اروپا با افزایش سخنان نفرت‌مواجه است که شامل همه اشکال بیانی است که نفرت نژادی، بیگانه‌هراسی، اسلام‌هراسی، یهودی‌ستیزی یا سایر اشکال نفرت مبتنی بر عدم مدارا را گسترش می‌دهد، تشویق و ترویج می‌کند (Elvira Kovács).

۹. شناسایی مسئولیت حداقل معاونت در جنایات بین‌المللی

معاون جرم یا بزه در حقوق کیفری به کسی گفته می‌شود که به طور مستقیم در ارتکاب جرمی که توسط دیگری انجام می‌شود، دخالتی نداشته اما به طور عالمانه از طریق تحریک، ترغیب، تهدید، تطمیع، دسیسه، فریب و نیرنگ و... در ارتکاب رفتار مجرمانه همکاری و دخالت داشته است. به عبارت دیگر معاون جرم کسی است که پیش از وقوع یا در حین ارتکاب جرم با رفتار خود عمداً وقوع جرم را تسهیل کرده یا مرتکب (مباشر) را به ارتکاب آن برانگیخته است. ارتکاب اعمال زیر معاونت در جرم محسوب می‌شود:

۱. تحریک، ترغیب، تهدید یا تطمیع.
۲. دسیسه، فریب و نیرنگ.
۳. تهیه وسایل ارتکاب جرم.
۴. ارائه راه و روش ارتکاب جرم.
۵. تسهیل ارتکاب جرم.

بر اساس تعریف ارائه شده از معاون در جرم این امر در مقابل مباشر قرار می‌گیرد؛ مباشر کسی است که عملیات اجرایی جرم را انجام می‌دهد. مثلاً در جرم قتل، کسی که مرتکب سلب حیات دیگری می‌شود، مباشر است اما معاون در این سلب حیات دخالت نمی‌کند فقط وسایل را در اختیار مباشر قرار می‌دهد. مثلاً به وی تفنگی می‌دهد تا قاتل به این وسیله دیگری را به قتل برساند. به بیان ساده‌تر، کسی که در عملیات اجرایی جرم دخالت دارد باید عملی را انجام دهد که این عمل فی‌الذمه جرم محسوب شده و مجازاتی را در پی داشته باشد. وگرنه معاون را نمی‌توان مجازات کرد. این را سیستم عاریتی می‌نامیم، یعنی مجازات معاونت زمانی بر شخص بار می‌شود که مباشر عمل مجرمانه‌ای را انجام داده باشد. معاونت در جرم در فقه و حقوق اسلامی مساوق معصیت و گناه است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۲: ۳). به طور کلی می‌توان گفت که نحوه مداخله افراد در ارتکاب جرم ممکن است به یکی از سه شکل مباشرت، مشارکت یا معاونت باشد. عبارات و اصطلاحات دیگری هم که در برخی مواد قانونی تحت عنوان تسبیب، سبب اقوی از مباشر و... ذکر می‌شود، قابل تطبیق بر یکی از عناوین مزبور است. این جستار در مقام تبیین و تشریح کلیه مسائل مربوط به معاونت در جرم نیست و فقط برخی مسائل اختلافی و بحث برانگیز مربوط به معاونت مورد بررسی قرار گرفته است. به این اعتبار مسائلی از قبیل وحدت قصد بین مباشر و معاون، رابطه بین معاون و مباشر، تاثیر وضعیت مباشر در معاون، معاونت

بعد از وقوع جرم، مجازات معاون و... می‌تواند بحث شود (رحمدل، ۱۳۸۹: ۱۶۱). در حقوق بین‌الملل می‌تواند تحت عنوان اقدامات مجرمانه مشترک باشد. دکترین «اقدامات مجرمانه مشترک» یکی از اشکال بحث برانگیز مسئولیت کیفری در قلمرو حقوق کیفری بین‌المللی به شمار می‌رود که در پرتو آراء دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق شکل گرفته و از سوی دیوان و نیز دیوان کیفری بین‌المللی رواندا، مورد استناد قرار گرفته است (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۹: ۵۹).

امروزه اگر بخواهیم رویکردهای رهبران سیاسی در قالب برخی تعارضات (این چنین) مورد بحث و بررسی قرار دهیم، می‌تواند در دو رویکرد تروریسم دولتی و حمایت از تروریسم معمول نیز از آن نام برد. قوانین و مقررات بین‌المللی مؤید دو نکته اصلی یعنی مبارزه فراگیر و ممنوعیت هرگونه تعامل و حمایت از گروه‌های تروریستی است؛ اما امروزه برخی ضرورت‌های سیاسی باعث تعاملات گسترده پشت پرده بعضی دولت‌ها با گروه‌های تروریستی شده است؛ همین عاملی محرک جهت بازشناسایی مسئولیت دولت‌ها در قبال نقش‌ها و تکالیف آنان در روند زندگی بین‌المللی در برابر دیگر بازیگران است. با در نظر گرفتن خطر این گروه‌ها (یعنی تروریسم) برای صلح و امنیت جهانی و ممنوعیت‌های بین‌المللی همچنان شاهد حمایت‌های مادی و معنوی برخی از رهبران (برخی دول منطقه) از پدیده شوم تروریسم هستیم که این وضعیت باعث می‌شود مسئولیت کیفری متوجه رهبران دولت‌های حامی بدانیم. قابلیت احراز مسئولیت کیفری ایشان و طرح این مسئولیت ذیل عناوین مجرمانه جنایات ضد بشریت و جنایات جنگی در مواد ۷ و ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری قابل بحث بوده و بر اساس مبانی نظریه نوین تلفیق تفصیر مدیران ارشد و سیاست‌های شخص حقوقی و همچنین تسری آموزه‌های اقدامات مجرمانه مشترک و تسری رهیافت بین‌المللی عدالت انتقالی (مسئولیت کیفری متاخر ناشی از اقدامات بین‌المللی) رهبران سیاسی قابل رسیدگی واقعی است (موسوی فرد و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۱۹).

نتیجه

در دوران معاصر بدون تردید، گسترش و در عین حال تنوع مصادیق جرائم سازمان یافته یکی از معضلات بشر کنونی است. زمانی این مشکلات بیشتر بروز و ظهور پیدا می‌کند که این گروه‌ها در بدنه دولت‌ها به‌عنوان دست‌کم یکی از اصلی‌ترین بازیگران نظام بین‌الملل با حالتی موربانه‌وار نفوذ کرده‌اند، همین امر باعث شده برخی دولت‌ها اراده‌ای که با چنین مجرمین خطرناکی در تمامی ابعادش برخورد کنند را نداشته باشند. قانون آنارشیستی مجموعه‌ای از هنجارهای مربوط به رفتار و تصمیم‌گیری در یک جامعه آنارشیستی است. این اصطلاح در مجموعه‌ای از بحث‌های جاری در شاخه‌های مختلف نظریه

آنارشیستی در مورد اینکه آیا و چگونه هنجارهای رفتار فردی یا جمعی و تصمیم‌گیری باید ایجاد و اجرا شود، استفاده می‌شود. آنارشیسم اغلب خود را در برابر قانون قرار می‌دهد، اینجا است که برخی از حکام کشورهای عربی به خاطر یکسری مصلحت‌گرایی‌های شخصی و منافع محور حتی در قبال مسئولیت‌های قانونی خود در مسئله فلسطین از اسرائیل حمایت می‌کنند. این خود نوعی آسیب سیاسی در تمامی ابعاد آن محسوب می‌شود چرا که آسیب‌شناسی سیاسی به مطالعه جنبه‌های منفی یا ناکارآمد سیاست مانند خشونت، خیانت، فساد، پنهان‌کاری و تبلیغات و چگونگی تأثیر آنها بر حفظ و توسعه نظام‌های سیاسی اشاره دارد. این مفهوم نشان می‌دهد که این «بیماری‌های» بدنه سیاسی در واقع می‌توانند به خیر و صلاح نظام کمک کنند، زیرا وجود فساد و سایر موارد نقض معیارهای اخلاقی و سیاسی، شاخص‌های توانایی یک سیستم برای جذب تعارض و پذیرش منطق رقیب هستند. اینجا است که با مدد جستن از مطالعات میان رشته‌ای به وادی روان‌شناسی سیاسی قدم می‌گذاریم؛ هدف آن درک روابط متقابل بین افراد و زمینه‌هایی است که تحت تأثیر باورها، انگیزه، ادراک، شناخت، پردازش اطلاعات، راهبردهای یادگیری، اجتماعی شدن و شکل‌گیری نگرش است. نظریه و رویکردهای روان‌شناختی سیاسی در زمینه‌های بسیاری از جمله: نقش رهبری، سیاست‌گذاری داخلی و خارجی، رفتار در خشونت قومی، جنگ و نسل‌کشی، پویایی و تعارض گروه، رفتار نژادپرستانه و... است. برای درک شخصیت کنونی منطقه خاورمیانه، باید تصویر روشنی از بستری که نظم حاکم در آن شکل گرفت داشت. باید روابط بین احزاب، الگوهای رفتاری غالب نهادها و نهادهایی که نظم منطقه‌ای را ایجاد و شکل دادند و دخالت نیروهای خارجی را در نظر گرفت. با این حال، دوره‌های ثبات و بی‌ثباتی و مسائل امنیتی مستمر را به بهترین نحو با قدرت، جاه‌طلبی، رفتار و تعامل قدرت‌های منطقه توضیح می‌دهند. روابط و درگیری‌های بین این قدرت‌ها و نمونه‌هایی از همکاری و همگرایی در مرکز بررسی تغییرات نظم منطقه‌ای خاورمیانه در هفت دهه گذشته خواهد بود. به نوعی علت‌العلل برخی از ملاحظه‌کارهای حکام عرب در مسئله فلسطین قطعاً مصلحت‌گرایی سیاسی است؛ مصلحت سیاسی می‌تواند با اولویت دادن به دستاوردهای سیاسی کوتاه مدت بر پیامدهای بلند مدت و ملاحظات اخلاقی، تأثیرات منفی قابل توجهی بر سیاست‌گذاری داشته باشد. زمانی که مقامات تصمیم‌گیری می‌کنند بر اساس آنچه که از نظر سیاسی مناسب یا سودمند است نه آنچه از نظر اخلاقی درست است یا واقعاً وضعیت را بهبود می‌بخشد، می‌تواند منجر به سیاست‌های ناعادلانه، ناکارآمد یا حتی مضر شود. در برخی از تحقیقات انجام شده آمده، موفقیت اسرائیل در جنگ علیه کشورهای عربی را نباید منحصرأً به قدرت نظامی خود و بی‌کفایتی

نسبی دشمنانش نسبت داد؛ عامل مهم دیگر دخالت قدرت‌های بزرگ در جنگ‌های اعراب و اسرائیل بود. علی‌رغم ترس‌های اولیه اسرائیل، چنین دخالتی در بیشتر موارد یا نتوانست دستاوردهای نظامی اسرائیل را انکار کند یا به دو دلیل اصلی یک دارایی بود: فقدان اراده یا توانایی قدرت‌های بزرگ متخاصم برای مداخله علیه اسرائیل و حمایت یک حامی دوستانه که بدون آن مهارت‌های نظامی خود اسرائیل برای تضمین موفقیت نظامی کافی نبود؛ اینجا است که نقش برخی از قدرت‌های بزرگ به خوبی ملموس است. پس مسئولیت چنین رهبرانی بر اساس مبانی نظریه نوین تلفیق تقصیر مدیران ارشد و سیاست‌های شخص حقوقی و همچنین تسری آموزه‌های اقدامات مجرمانه مشترک و تسری رهیافت بین‌المللی عدالت انتقالی (مسئولیت کیفری متاخر ناشی از اقدامات بین‌المللی) رهبران سیاسی قابل رسیدگی واقعی است.

پیشنهادات مقاله حاضر:

- بازشناسایی مسئولیت رهبران سیاسی در قالب وظایف انسانی و بین‌المللی و مشترکات دینی و اخلاقی در قبال بحران فلسطین یکی از راهکارهای برگشت به صلح پایدار در خاورمیانه می‌باشد.
- مطالبه‌گری مردمی و افکاری عمومی از حکام خود مبنی بر حمایت از مردم بزه دیده فلسطین که به استناد اسناد رسمی بین‌المللی قربانی جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت قرار گرفته‌اند.
- کاهش نقش قدرت‌های بزرگ و مشروعیت‌بخشی سیاسی از طریق مردم می‌تواند تا حدودی ملاحظه‌کاری حکام عرب را در قالب نقش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی همانند مسئله فلسطین در قالب کنار گذاشتن ملاحظه‌کاری‌های سیاسی کاهش دهد.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- اشرفی، داریوش (۱۳۹۳)، «تفسیر جدید از صلح و امنیت بین‌المللی و تاثیر آن بر مفهوم حاکمیت ملی»، پژوهش حقوق عمومی، ۱۵ (۴۲).
- ۲- خاکی، محسن؛ نورالله قیصری؛ علیرضا خسروی و ابراهیم متقی (۱۴۰۱)، «نقش «مصلحت سیاسی» در افزایش قدرت نرم برای بازدارندگی سیاسی و امنیتی «با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ره)»، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، ۱۲ (۳).
- ۳- سام خانبانی، محمد جواد و عباس خائفی (۱۳۹۶)، «مصلحت‌بینی و واقع‌گرایی در اندیشه‌های سیاسی ماکیاولی و خواجه نظام‌الملک»، سیاست جهانی، ۶ (۱).
- ۴- موسوی بجنوردی، سیدمحمد (۱۳۸۲)، «معاونت در جرم»، پژوهشنامه متین، ۵ (۱۸).

- ۵- موسوی فرد، سیدمحمدرضا و علیرضا دودانگه (۱۴۰۰)، «جستاری روان‌شناختی با تأثیرات جامعه‌شناختی بر رفتارشناسی رهبران دیکتاتور سیاسی با تأکید بر آموزه‌های علوم جنایی»، بحران پژوهی جهان اسلام، ۸ (۳).
- ۶- موسوی فرد، سیدمحمدرضا؛ محسن رهامی و راحله سیدمرتضی حسینی (۱۳۹۵)، «مسئولیت کیفری بین‌المللی ناشی از حمایت از تروریسم با تأکید بر مسئولیت مقامات عالی رتبه سیاسی»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، ۳ (۲).
- ۷- موسوی فرد، محمدرضا (۱۴۰۰)، «وضعیت آنارشیک حقوقی، جرائم سازمان یافته بین‌المللی از تئوری تا عمل در مواجهه سیاست و حقوق بین‌الملل کیفری»، تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۴ (۵۳).
- ۸- میرمحمدصادقی، حسین و علی ایزدیار (۱۳۹۹)، «واکاوی وجوه اشتراک و افتراق «اقدامات مجرمانه مشترک» و «سردستگی گروه مجرمانه»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۲۳ (۸۹).
- ۹- رحیم دل، منصور (۱۳۸۹)، «نکاتی درباره معاونت در جرم»، فصلنامه سابق تحقیقات حقوقی آزاد، ۲ (۸).

منابع غیر فارسی

- 1- A.M. Dragodan (2012): Is there a political pathology? Online access to the article https://www.researchgate.net/publication/293286578_Is_there_a_political_pathology
- 2- American Public University. (2024, March 20). What is a Criminal Psychologist? Accessible: <https://www.apu.apus.edu/area-of-study/public-safety/resources/what-is-a-criminal-psychologist>
- 3- Anarchism and law. (n.d.). The Anarchist Library. <https://theanarchistlibrary.org/library/alexei-borovoy-anarchism-and-law>
- 4- Assembly debate on 10 April 2019 (14th and 15th Sittings) (see Doc. 14845, Committee on Equality and Non-Discrimination, rapporteur: MS Elvira Kovács). Text adopted by the Assembly on 10 April 2019 (15th Sitting), available in: <https://assembly.coe.int/nw/xml/XRef/Xref-XML2HTML-EN.asp?fileid=27636>
- 5- Bradney, A. (1985). Taking law less seriously – an anarchist legal theory. *Legal Studies*, 5(2), doi:10.1111/j.1748-121X.1985.tb00604.x
- 6- Cerioli, L. G. (2023). Saudi Arabian strategy reassessment since 2003: The emergence of a regional leadership via Neoclassical Realist lenses. *International Area Studies Review*, 26(3), <https://doi.org/10.1177/22338659231180059>
- 7- Colin Jevons, Jane Carroll (29 April 2005): Marketing, truth and political expediency: *Journal of Public Affairs* Volume 5, Issue 1, <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1002/pa.2>
- 8- Cottam, Martha L.; Dietz-Uhler, Beth; Mastors, Elena; Preston, Thomas (2010). *Introduction to Political Psychology* (2nd ed.). New York: Psychology Press.
- 9- Friedrich, C. J. (1966). POLITICAL PATHOLOGY. *Political Quarterly*, 37(1), <https://doi.org/10.1111/j.1467-923x.1966.tb00184.x>
- 10- GAFFAR, M. A. (2015). Iran As a Regional Power in West Asia: OPPORTUNITIES AND CHALLENGES. *World Affairs: The Journal of International Issues*, 19 (3), 64–83. <https://www.jstor.org/stable/48505455>
- 11- Goodrich, L. C. (1965). The maintenance of international peace and security. *International Organization*, 19 (3), <https://doi.org/10.1017/s0020818300012388>

- 12- International Peace and Security, and Pandemics: Security Council Precedents and Options - World. (2020, April 6). Relief Web. <https://reliefweb.int/report/world/international-peace-and-security-and-pandemics-security-council-precedents-and-options>
- 13- Kaldor, M. (2013). Identity and war. *Global Policy*, 4 (4), <https://doi.org/10.1111/1758-5899.12084>
- 14- Kenny, C. (2016). Responsibility to recommend: the role of the UN General Assembly in the maintenance of international peace and security. *Journal on the Use of Force and International Law*, 3 (1), <https://doi.org/10.1080/20531702.2016.1183970>
- 15- Kober, A. (2006). Great-Power Involvement and Israeli Battlefield Success in the Arab-Israeli Wars, 1948–1982. *Journal of Cold War Studies*, 8 (1), <https://www.jstor.org/stable/26925885>
- 16- Martina Ponížilová (January 2016): The impact of regional powers' competition on the Middle East regional order 1945-2010: Available online: https://www.researchgate.net/publication/316559509_The_impact_of_regional_powers'_competition_on_the_Middle_East_regional_order_1945-2010
- 17- Ministerie van Algemene Zaken. (2021, September 14). An international approach to peace and security. *International Peace and Security | Government.nl*. <https://www.government.nl/topics/international-peace-and-security/an-international-approach-to-peace-and-security>
- 18- Mols, Frank; 't Hart, Paul (2018). "Political Psychology". In Lowndes, Vivien; Marsh, David; Stoker, Gerry (eds.). *Theory and Methods in Political Science* (4th ed.). Basingstoke, England: Palgrave Macmillan. ISBN 978-1-137-60353-1.
- 19- Moskalenko, S. (2015). The psychology of dictatorship. *Dynamics of Asymmetric Conflict*, 8(1), <https://doi.org/10.1080/17467586.2014.980282>
- 20- Tamblyn, N. (2019). The common ground of law and anarchism. *the Liverpool Law Review*, 40(1), <https://doi.org/10.1007/s10991-019-09223-1>
- 21- Tamblyn, Nathan (2019). "The Common Ground of Law and Anarchism". *Liverpool Law Review*. 40: doi:10.1007/s10991-019-09223-1. hdl:10871/36939. S2CID 155131683
- 22- The Psychology of Dictatorship and Democracy | Department of Psychological & Brain Sciences | Columbian College of Arts & Sciences | The George Washington University. (n.d.). Department of Psychological & Brain Sciences | Columbian College of Arts & Sciences. <https://psychology.columbian.gwu.edu/psychology-dictatorship-and-democracy>
- 23- Wojciech Michnik (18 Jan 2021): Great power rivalry in the Middle East: <https://www.realinstitutoelcano.org/en/commentaries/great-power-rivalry-in-the-middle-east>